ایران ورزشی

روزنامه ورزشی صبح ایران ● صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: محمدحسن روزی طلب ● جانشین مدیر مسئول و سردبیر: علی جوادی
تلفن: ۱۴ ـ ۸۸۵۰۴۱۱۳ ● نمابر: ۸۴۷۱۱۱۷۳ ● چاپ: ایرانیان
سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ ـ ۸۸۵۰۱۳۰۰ ● انتشارات: ۵ و ۸۸۵۴۸۸۹۲
امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰ ـ ۸۸۵۲۱۹۵۴ ● نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ ● شماره پیامک کنید: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳
ما را در شبکه‌های اجتماعی دنبال کنید: @iranvarzeshii

newspaper.inn.ir | inn.ir

دوشنبه ● ۱ خرداد ۱۴۰۲ ● سال بیست و هفتم ● شماره ۷۳۰۹

امروز روزنامه ورزشی وارد بیست و هفتمین سال انتشارش شد؛ ممنون که خواننده ما هستید

دریچه

روزنامه‌ای برای مردم

سعید زاهدیان
خبرنگار

روزنامه ایران ورزشی به سال بیست و هفتم رسید که سهم من- به عبارت درست‌تر افتخار من- ۱۸ سال زندگی در کنار خانواده ایران است؛ فارغ از اینکه هر شماره این روزنامه برایم خاطره است و ماجراهایی دارد، باید به یک نکته اشاره کنم. نکته‌ای که روز اول کار متوجه شدم؛ شاید مهم‌ترین نکته کار در این مجموعه. پیش از آنکه وارد تحریریه شوم، مثل تمام آدم‌هایی که از بیرون به ایران ورزشی نگاه می‌کردند، باورم این بود که «ایران ورزشی» روزنامه دولت است و هرآنچه دولت‌ها دیکته می‌کنند در روزنامه منتشر می‌شود اما روز نخست از بزرگترها- که باید یادی کنیم از استاد پرویز زاهدی، وصال روحانی، برادران رحمانی، داود عطایی و خیلی‌های دیگر که تجربه‌های‌شان چراغ راه ما بود- یاد گرفتم که اینجا پیش از آنکه روزنامه دولت باشد، روزنامه مردم است و باید منافع مردم اولویت باشد تا هر شخص، حزب یا جناحی.

ابتدا برایم این ماجرا شعاری بیش نبود اما وقتی کمی جلوتر آمدم و در مقاطعی صاحب مسئولیت- از دبیری تحریریه تا معاون سردبیر و سردبیر- شدم، این خط مشی کلی ملموس‌تر شد. در ۶ سال سردبیری، شاید دو یا سه بار از نهادهای بالادستی توصیه‌هایی صورت گرفت که به جرأت اقرار می‌کنم همین موارد که به تعداد انگشتان یک دست هم نمی‌رسد، هرگز مغایر با منافع مردم و ورزش کشور نبود. در تمام این سال‌ها هر آنچه در روزنامه منتشر شد، از گفت‌وگوها تا گزارش‌ها و نقدها، همگی محصول همفکری و بحث‌های درون تحریریه بود که به صفحات روزنامه رسید.

بی‌شک در این مسیر اشتباهات ریز و درشتی وجود داشته که همه باید بپذیریم که کار بی‌نقص و بی‌ایراد در هیچ حوزه‌ای وجود ندارد اما تعمدی در آنها نبوده و تحریریه در تمام سال‌هایی که کنار هم کار کردیم، تلاش کرده تا طبق خط مشی اصلی، فارغ از جریان‌سازی‌های بیرونی و بی‌توجه به هرآنچه اصول حرفه‌ای روزنامه‌نگاری را خدشه‌دار می‌کند، روزنامه‌ای خوب و در شأن نام ایران منتشر کنیم و امیدواریم از این پس نیز با همین رویکرد، به دور از زردی و با فاصله گرفتن از حواشی و جریانات هدفمند، روزنامه‌ای در شأن مردم «ایران» باشیم.

پیچ خطرناک بعدی کدام است؟

آرمن ساروخانیان
خبرنگار

اولین دوره کارم با «ایران ورزشی» اوایل دهه ۸۰ بود؛ سال‌هایی که پای اینترنت تازه به ادارات باز شده بود. در تحریریه‌های آن سال‌ها گاهی یکی، دو کامپیوتر بیشتر دیده نمی‌شد که با اینترنت دایال‌آپ کار می‌کرد. خبرگزاری‌های داخلی هنوز تکثیر نشده بود و تولید خبر محدودی داشتند. سرعت گردش اطلاعات در آن سال‌ها پایین‌تر بود و روزنامه‌نگاری ورزشی رویه دیگری داشت.

در مقطعی تعداد روزنامه‌های ورزشی روی دکه‌ها رشد تصاعدی پیدا کرد و سایت‌های ورزشی رونق گرفت. طرفداران روزنامه‌نگاری در این حوزه بیشتر و رقابت فشرده‌تر شد.

ماه عسل رسانه‌های ورزشی دوام زیادی نداشت و بعد از رسیدن به نقطه اوج نوبت یک سقوط با شیب تند بود. روزنامه‌های ورزشی به دلایل مختلف که مهم‌ترینش گرانی کاغذ بود یکی بعد از دیگری تعطیل شدند. ضربه شدید بعدی از طرف شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها بود که کار روزنامه‌ها را با هزینه کمتر و سرعت بیشتر انجام می‌دادند.

روزنامه‌نگاری ورزشی بعد از گسترش شبکه‌های اجتماعی رقابتی‌تر و سخت‌تر شد و شرط بقا در این حرفه سرعت بیشتر، کیفیت بالاتر و تولید محتوای منحصر به فرد بود.

تازه‌ترین تهدیدی که روزنامه‌نگاری (و به طور کلی اکثر مشاغل) را تهدید می‌کند، هوش مصنوعی است که پیش‌بینی می‌شود با تکامل بیشتر بتواند بخش بزرگی از کار روزنامه‌نگاران را انجام بدهد.

تغییر سبک روزنامه‌نگاری ورزشی در این دوره بیست و چند ساله تابع تحولات اقتصادی و تکنولوژی بوده و این حرفه با سال‌های نخست دهه هشتاد تفاوت زیادی دارد. با این حال ایران ورزشی تلاش کرده به مأموریتی که از اول خرداد سال ۱۳۷۶ شروع کرده پایبند بماند. در این سال‌ها همکاران زیادی کمک کرده‌اند که فعالیت این روزنامه ادامه پیدا کند و امید است که با کمک نسل‌های بعدی عمرش طولانی‌تر شود.

سوژه

در ایران پیر شدیم

سعید آقایی
روزنامه نگار

در سرزمینی که عمر رسانه‌ها آنقدر کوتاه است که گاه حتی به یک سال هم نمی‌رسد، خانه به دوشی شغل اصلی اهالی رسانه محسوب می‌شود و امنیت شغلی از آب بینی بز نیز کم اعتبارتر است، حضور یک دهه‌ای در یک رسانه بسان یک شوخی بزرگ و باور نکردنی می‌ماند. شوخی عجیبی که حالا من مرتکب آن شده‌ام! برای من که در طول دو دهه و نیم عمر رسانه‌ای بیش از ۲۸ رسانه رنگارنگ را تجربه کرده‌ام و عمر حضورم در برخی از رسانه‌ها به یک ماه هم نرسیده، این تداوم و ثبات در ایران ورزشی اعجاب‌برانگیز است. آنچه سبب شده که ایران ورزشی حکم خانه را برای من پیدا کند. نه از آن خانه‌هایی که با خرده‌های چوب نعنا! ساخته شده بلکه برج و بارویی بلند و مستحکم که بزرگترین زلزله‌ها هم نمی‌تواند آن را تخریب کند. در طول این یک دهه زلزله کم نیامده اما آنچه بر جای مانده ایران بوده. خانه‌ای که اعضای آن حکم خانواده را برای من پیدا کرده‌اند. آنها که عمر رفاقت‌مان با یکدیگر گاه به دو دهه می‌رسد. رفقایی که همچون طفل گریزپا کار رسانه‌ای را در تحریریه‌های رنگارنگ در کنار هم آغاز کردیم، قد کشیدیم، بزرگ شدیم، منزل به منزل جلو آمدیم و حالا در میانسالی در تحریریه ایران ورزشی کنار هم روزها را دوره می‌کنیم. ایران ورزشی به رغم همه فراز و نشیب‌ها و با همه مشکلات ریز و درشتش برای من یک میعادگاه است. میعادگاهی که در آن اعضای خانواده‌ام را هر روز ملاقات می‌کنم. رسانه‌ای به قدمت یک عمر و چند نسل. بله؛ ما در ایران پیر شدیم.

نکته

خبرنگار باشیم خبرنگار بمانیم

حمیدرضا عرب
روزنامه نگار

جوهره خبرنگاری در سال‌های اخیر به دلایلی کمرنگ شده است. ظهور شبکه‌های اجتماعی و گسترش پیج‌های هواداری در حوزه ورزش، بخصوص (فوتبال) و به موازات آن واکنش‌های تند و آنی مخاطبان عادی که در فضای مجازی پرسه می‌زنند، قدرت نقد منصفانه و تحلیل‌های درست فنی را از اصحاب رسانه گرفته‌اند و خواسته یا ناخواسته مسیر نوشتن به سمت نگاه هواداری و حمایت‌های کورکورانه منحرف شده؛ در حالی که رسالت خبرنگاری تحت هر شرایطی نقد منصفانه، تحلیل‌های سازنده و چشم‌پوشی از علایق رنگی است.

در سال‌هایی که فضای مجازی بر فضای رسانه‌های رسمی اثرات مخربی گذاشته، نوع نگارش نیز متناسب با فضای موجود تغییر یافته و برخی همسو با جریان مجازی حرکت می‌کنند؛ در حالی که هویت این شغل ایجاب می‌کند که حتی با وجود دلبستگی به رنگ‌های خاص واقعیت‌ها نگارش شود تا افکار عمومی نیز در مسیر درستی از تحلیل و واقع‌گرایی قرار گرفته و حقایق به عالی‌ترین شکل ممکن برایش به تصویر کشیده شود و در نهایت هیجانات کاذب این طیف نیز فروکش کند و عوام نیز تبدیل به تماشاگرانی حرفه‌ای با دیدی عمیق شوند. دغدغه نگارنده بعد از حدود ۲۰ سال فعالیت حرفه‌ای در حوزه فوتبال اثرگذاری مخرب فضای مجازی بر افکار جریان رسانه‌ای است به طوری که مأموریت خطیری که بر دوش این طیف نهاده شده به کلی فراموش شود و نگاه نافذ و نقادی خبرنگاری محو و نقدها و محاسبات سطحی جایش را بگیرد و آنگاه اثری از این حرفه الهی باقی نماند. در آغاز بیست و هفتمین سالگرد تولد روزنامه ایران ورزشی که مجموعه‌ای از قلم به دستان چیره‌دست را در تاریخ خود جای داده، آرزو می‌کنم تا روزی که نفس در قلم است، خبرنگار باقی بمانیم؛ فارغ از رنگ‌ها و دور از روابط و گاه دلبستگی‌ها...

نگاه

تأملاتی درباره روزنامه و مطالعه در عصر ChatGPT به مناسبت ۲۷ سالگی ایران‌ورزشی

آیا هوش مصنوعی روزنامه‌نگاری را نابود می‌کند؟

رسول مجیدی
روزنامه نگار

چند هفته پیش یکی از دوستان که اتفاقاً کار رسانه‌ای هم می‌کند در گفت‌وگویی دوستانه خیلی جدی گفت: «چرا باید کتاب بخوانم؟ همه چیز در اینترنت هست دیگه.» من می‌دانستم که اشتباه می‌کند ولی حوصله توضیح نداشتم. اساساً همه چیز یعنی چه؟ اینکه می‌گویند آدم هرچه بیشتر بداند متوجه می‌شود کمتر می‌داند به نظرم به‌صورت برعکس هم معنادار است؛ آدم هرچه کمتر بداند فکر می‌کند بیشتر می‌داند! این سؤال که آدم چرا باید کتاب بخواند چند سال پیش درباره روزنامه وجود داشت. چرا آدم باید روزنامه بخواند وقتی اینترنت هست؟ به نظر کار بیهوده‌ای می‌آید. این دیدگاه در سال‌های گذشته آنقدر ریشه دوانده که حالا تیراژ روزنامه‌ها به معنای واقعی بحرانی به نظر می‌رسد. در این مسیر البته خود روزنامه‌ها هم شاید کم مقصر نباشند. خیلی‌های‌شان کپی همان مطالب اینترنتی‌اند و وجهه کلی این کار را خراب کرده‌اند. با این همه هنوز هم روزنامه جای بهتری برای خواندن مطالب تحلیلی و بلند است. همین روزنامه خودمان را در نظر بگیرید. هر روز حداقل در هر صفحه یک مطلب تحلیلی پیدا می‌شود. اینگونه مطالب یا اساساً در دنیای وب که پر است از خبرهای کوتاه و تلگرافی پیدا نمی‌شود اگر پیدا بشود هم آدم حوصله‌اش نمی‌آید در صفحه کوچک گوشی آن همه متن را بخواند. این است که هنوز که هنوز است کسانی که روزنامه می‌خوانند از عمق بیشتری برخوردارند. نتیجه آن دیدگاه که چرا باید روزنامه خواند حالا تبدیل شده به اینکه چرا باید کتاب خواند؟ احتمالاً با توسعه هوش مصنوعی هم منتهی می‌شود به این گزاره که «اساساً چرا باید چیزی را دانست؟ هروقت به مشکل خوردیم از ChatGPT و امثالهم می‌پرسیم دیگر!» نمی‌دانم؛ شاید هم دنیای بدی نشد و آنهایی که عمیق‌ترند، با مطالعه‌ترند بیشتر از قبل مشخص شوند. خیلی از سطحی‌ها بازی را به هوش مصنوعی می‌بازند، خیلی‌ها دیگر حوصله یادگیری ندارند و فقط عده‌ای قلیل و خالص باقی می‌مانند!

کاریکاتور

منچسترسیتی تا هفته پیش حسابی در کورس قهرمانی بود و پپ هم از تقویم سخت بازی‌های تیمش گله می‌کرد اما در ۵ روز همه چیز تغییر کرد و آرسنال ۲ بازی را پشت سرهم باخت تا حالا سیتی بدون انجام سه بازی آخرش دوباره قهرمان شده باشد. ۳ قهرمانی پشت سر هم!

عکس روز

این عکس اختصاصی ایران ورزشی است. در اطراف ورزشگاه اختصاصی تاتنهام قبل از بازی برنتفورد. عکس را یک دندانپزشک ایرانی علاقه‌مند به فوتبال برای‌مان فرستاده که برای تعطیلات به انگلیس رفته و قصد تماشای یک بازی از لیگ برتر را داشته. او با استفاده از این شیوه خلاقانه و گرفتن پلاکاردی که رویش نوشته «به ۳ بلیت احتیاج داریم» موفق شده بلیت آخرین بازی خانگی فصل تاتنهام را خریداری کند. بلیت پای او ۱۳۰ پوند افتاده که خب قاعدتاً از رقم واقعی‌اش بیشتر بوده ولی قطعاً تماشای بازی در آن ورزشگاه مدرن کیف داشته. بازی را در نهایت تاتنهام ۳-۱ به برنتفورد باخت.

جدول سودوکو ۲۳۵

		۶	۴			۸	۱
		۱			۲		
		۴		۷	۵	۶	
۲	۸				۶	۷	۵
	۷			۸			
			۶			۸	
					۴	۵	۳	۶
	۳			۵	۸	۷		

حل جدول ۲۳۴

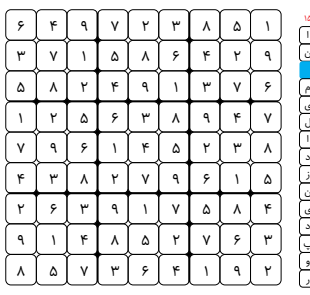

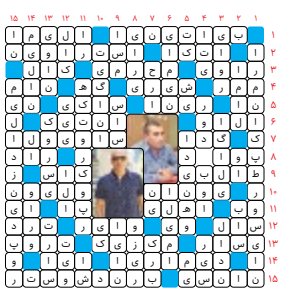

یادداشت

سینا حسینی
روزنامه نگار

روزنامه رفاقت‌ها و صداقت‌ها

۱۹ سال پیش وقتی برای نخستین بار گزارشم در روزنامه ایران ورزشی چاپ شد، یقین داشتم باید برای تداوم این اتفاق تلاش مضاعفی داشته باشم، چون ایران ورزشی به عنوان رسانه ورزشی دولت از جایگاه خاصی برخوردار است و با کوچکترین اشتباه ممکن بود موقعیت نوشتن در این روزنامه را از دست بدهید.

ایران ورزشی در ۲۶ سال گذشته یک روند منظم و ساختار اصولی را طی کرده، تا امروز به عنوان یکی از رسانه‌های تأثیرگذار حوزه ورزش کشور شناخته شود.

فضای صمیمی حاکم بر تحریریه ایران ورزشی، رفاقت میان خبرنگاران و اتحاد و همدلی آنها در عرصه های مختلف سبب شده تا برند ایران ورزشی به عنوان یکی از برترین‌ها شناخته شود، جلدهای ایده‌آل، تیترهای جذاب و منحصر به فرد باعث شده همیشه برای دیدن صفحه یک بی قراری کنم.

شاید باورش سخت باشد، اما یکی از اتفاقات خوب زندگی کاری‌ام عضویت در خانواده دوست داشتنی ایران ورزشی بوده و هست، برای یک روزنامه‌نگار وقتی دنیا گلستان می‌شود که در محیط تحریریه رفاقت حرف اول و آخر را بزند.

شاید تلخ ترین خاطره حضورم در ایران ورزشی وداع با سه رفیق نازنین بود، هرچند امروز دیگر حسین حیدری نازنین ، مهدی شادمانی عزیز و آرش رستم نمدی دوست داشتنی کنارمان نیستند اما یقین دارم آنها نیز از آن بالا هر روز ما را تماشا می کنند.

و صد البته مرحوم استاد حسین حصاری که به عنوان پدری دلسوز همیشه به هر بهانه‌ای از باب نصیحت نکات آموزنده را به من و بقیه بچه های ایران ورزشی گوشزد می‌کرد.

روحشان شاد و یادشان گرامی

ناصر قراگزلو
روزنامه نگار

بوی چسب و بوی کاغذ، بوی روزنامه

شروع کار مطبوعاتی‌ام در دهه هفتاد در روزنامه ایران بود و الفبای شغل روزنامه‌نگاری را در روزنامه ایران و ایران ورزشی آموختم. هیچ وقت فراموش نمی‌کنم که در آن زمان کار صفحه‌بندی با چسب قطره‌ای انجام می‌شد. شرایط روزنامه‌نگاری در آن زمان خیلی متفاوت بود و به نوعی عشق این کار بود که در بین مشاغل دیگری که در آن زمان برای من وجود داشت در نهایت به دلیل علاقه‌ای که به ورزش و فوتبال داشتم باعث شد موازی با تحصیل رشته تربیت بدنی در دانشگاه به کار در روزنامه با عشق بپردازم و از آن لذت ببرم. یک اتفاق در سال ۱۳۸۰ پس از چیزی حدود پنج سال کار مرا از روزنامه ایران دور کرد اما قسمت اینگونه رقم خورد که پس از ۱۸ سال کار در چندین روزنامه و خبرگزاری دیگر دوباره به خانه اولم یعنی روزنامه ایران ورزشی باز گشتم.

سمیه مهدی‌پور
مسئول دفتر مدیرمسئول

انتظار برای تیتر ایران‌ورزشی

سال‌ها حضور در تحریریه ایران ورزشی، شنیدن تیترهای مهم روزنامه‌های ورزشی کشور را به یکی از عادت‌های هر روزه‌ام تبدیل کرده و جالب‌تر اینکه با علاقه خاصی منتظر شنیدن تیتر ایران ورزشی هستم. شاید مهم‌ترین دلیل آن، بودن کنار تحریریه‌ای است که با خبرها زندگی می‌کند. گاهی از شادی یک موفقیت، به معنای واقعی جشن می‌گیرد، گاهی از غم یک شکست، با تمام وجود اشک می‌ریزد و برای گرفتن خبری که مخاطبش می‌خواهد، به هر دری می‌زند. به‌عنوان عضو کوچک این خانواده هر روز بیشتر از گذشته به خود می‌بالم.